

خارج الفقہ

۸۹

۸-۳-۹۱ کتاب الحجّ

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

إذن الزوج للزوجة في الحج

- ظاهر این روایت‌ها اطلاق است؛ یعنی مرد مطلقاً می‌تواند از خروج زن خود از خانه جلوگیری کند، بلکه به طور کلی خارج شدن زن از خانه، در هر مورد، مشروط به اجازه شوهر است. پس مادامی که اجازه او را کسب نکرده یا رضایت او برایش محرز نیست، نمی‌تواند از خانه خارج شود. حضرت امام قدس سره در تحریر الوسیله خارج شدن زن بدون اجازه شوهرش از خانه را موجب «نشوز» زن شمرده‌اند. ۱۸ و این نظر مشهور فقهاست و کسی در این امر مخالفت نکرده است.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- ولی شاید به قرینه روایاتی که در مورد حسن حبس زن در خانه وارد شده که در آنها بر نکته دلربایی زنان و اشتیاقشان به مردان تأکید شده است، ۱۹ بتوان گفت: زن در صورتی که خروجش از خانه مفاسدی داشته باشد یا با مصالحی در تراحم قرار گیرد، مشروط به اجازه شوهر خواهد بود. پس در واقع از فروعاً حالت تراحم یا فقدان مصلحت خواهد بود که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- در این صورت، تشخیص این که چنین تزاممی وجود دارد یا خیر؟ و در صورت تحقق آن، کدام سو را باید ترجیح داد؟ و یا این که خروج زن، مفاسدی در پی دارد یا با مصالحی منافات دارد یا نه؟ بر عهده رییس خانواده، یعنی شوهر، است. پس زن ناچار برای خروج باید اجازه بگیرد تا معلوم شود آیا تزاممی وجود دارد؟ و اگر دارد، کدام طرف را باید ترجیح داد؟ و یا این که خروج مفسده ندارد.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- مسأله تـزاحم
گاه موقعیتی پیش می‌آید که شخص نمی‌تواند به دو وظیفه‌ای که بر عهده دارد، با هم عمل کند و ناچار است یکی را فدای دیگری کند. در این گونه موارد، که از آن به «تزاحم» تعبیر می‌شود، عقل حکم می‌کند باید مهم را فدای اهمّ کرد. یعنی آن وظیفه‌ای که اهمیت بیشتری دارد را انجام داد و وظیفه دیگر را ترک کرد.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- تشخیص این امر، در جایی که وظایف فردی و شخصی باشد، بر عهده خود شخص خواهد بود، ولی اگر این وظایف مربوط به شؤون یک مجموعه یا جامعه باشد، وظیفه این تمیز بر عهده رییس آن مجموعه یا جامعه خواهد بود. از این رو، در جامعه اسلامی، تشخیص تراحم و تمیز اهمّ از مهم بر عهده ولیّ فقیه است که بر قله هرم مدیریتی جامعه قرار دارد.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- در دایره خانواده، این امور بر عهده رئیس خانواده، یعنی شوهر، خواهد بود. اوست که باید تشخیص دهد آیا کار همسرش در بیرون خانه با وظایف خانوادگی و مصالح زندگی مشترک آن دو تزامم دارد یا خیر؟ و کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟ پس او می‌تواند زن خود را به دلیل تزامم شغلش با وظایف شوهرداری و تربیت فرزند، از حرفه‌اش منع کند.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- البته مسأله تراحم در جایی مطرح می‌شود که هر دو طرف، وظیفه باشند؛ یعنی در صورتی به امر اشتغال ارتباط پیدا می‌کند که داشتن شغل، خود یک وظیفه برای زن باشد ولو از باب وظایف اجتماعی و واجبات کفایی که به اندازه کفایت افرادی برای عمل به آن موجود نباشند. و الا اگر شغل، وظیفه نباشد، و با وظیفه تعارض پیدا کند، جایز نیست به آن پردازد، مگر این که وظیفه از قبیل حقوق شوهر باشد و او حق خود را اسقاط کند.

إذن الزوج للزوجة في الحج



مصـلـحـت و مفسـدـه

- در هر جمعی، رئیس، حافظ مصالح آن جمع و مسؤول این امر است. او می تواند به استناد منافات عملی با مصالح جمع، یا لزوم مفسده‌ای، آن را منع کند. حال در خانواده، اگر اشتغال همسر با مصالح خانواده یا افراد آن منافات داشته یا مستلزم مفسده‌ای باشد، مرد به عنوان رئیس خانواده می تواند از اشتغال زن جلوگیری کند.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- (٤) لعموم بعض الأخبار المتقدمة الشامل لها و للدائمة. نعم خبر السكوني «١» لما كان مشتملاً على النفقة كان قاصراً عن شمولها، لعدم النفقة لها.

- خبر السكوني عن أبي عبد الله (ع) قال: «قال رسول الله (ص): أيما امرأة خرجت من بيتها بغير إذن زوجها فلا نفقة لها حتى ترجع» «٢». (٢) الوسائل باب: ٦ من أبواب وجوب النفقات حديث: ١.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- (الأمر الثامن) الظاهر إلحاق المتمتع بها بالدائمة في اعتبار الاذن فيما يعتبر فيه في الدائمة لصدق الزوجة عليها و لتعلق حق الزوج بها، و لا ينافيه اختصاصها ببعض الاحكام، و ذلك لورود الدليل فيما ثبت من الفرق، المفقود في المقام، بل الظاهر لزوم اذن الزوج و لو لم يصدق عليها انها زوجه بل قلنا انهن مستأجرات، بل عليه يكون تعلق حق المرء أظهر لصيرورة منفعة الاستمتاع بها ملكا للرجل، فحكمها حينئذ حكم الأجير الخاص.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- (١) لأنها زوجة حقيقة و إطلاق الأدلة يقتضى عدم الفرق بين الدائمة و المنقطعة و يجرى عليها جميع ما يجرى على الدائمة إلا ما خرج بالدليل كالتوارث و وجوب النفقة و القسمة.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- (١) و أمّا قوله (ره): (و الظاهر أنّ المنقطعة كالدائمة في اشتراط الاذن) فليس بواضح، لأنّ الوجه في الدائمة ان كان هو وجوب الإطاعة فقد ذكر الأصحاب عدم وجوب اطاعته على المنقطعة و قالوا: بجواز خروجها من منزلها بدون اذنه و ان كان لأجل حق الاستمتاع الثابت له منها فله وجه، و ان كان اقتضاء الزوجية بنفسها ذلك فهو أوّل الكلام و كيف؟ و لا يجب نفقتها مع تبعية وجوب الإنفاق للتمكين الواجب.

إذن الزوج للزوجة في الحج

- و بالجملة فحيث أن كثيرا من أحكام المنقطعة غير ثابتة بإثباته هنا بالخصوص كغيره مما ثبت لها، يحتاج الى دليل خاص مفقود، و التمسك بالإطلاق مع انس الذهن بالدائمة و كثرتها وجودا خصوصا في زمن الأئمة عليهم السلام و مخالفة عامة الناس في أصل المسألة، في غير محله مع أن قوله عليه السلام في صحيح ابن مسلم في جواب من فرض ان للمرأة زوجا آبيا عن الاذن: لا اطاعة له عليها في حجة الإسلام «١»، قرينة صارفة عن الإطلاق، و ألا فلا ينطبق الجواب كلياً على مورد السؤال بقول مطلق فيحمل ما أطلق فيها من عدم اعتبار إذنها، فالمسألة محل اشكال.